

متن پیاده سازی شده جلسه شصت و پنجم خارج فقه القضا 18 بهمن 1399

درس اخلاق / تفتیش و فحص از جرائم

بسم الله الرحمن الرحيم

قال رسول الله ص: من فتح له باب من الخير فلينتهزه فانه لا يدري متى يغلق عنه

رسول گرامی خاتم ص می فرمایند: گاه بابی از خیر و رحمت به روی کسی باز می شود، کسی یا جامعه ای یا کشوری، موظف است، خوب است که غنیمت بشمارد چون نمی داند که این باب خیر کی بسته می شود و دیگر نمی تواند استفاده کند. ما گاهی باب خیری بر رویمان باز می شود مثلاً در مسیر تحصیل به یک استاد خوبی برخورد می کنیم حال ممکن است از این فرصت استفاده کنیم و ممکن است نکنیم. معلوم هم نیست این استاد تا چه زمانی هست و تا چه زمانی ما می توانیم از او استفاده کنیم، گاه سکونت در یک محل در کنار یک امام بزرگ، برخی غنیمت می شمارند و برخی نه، جوانی، سلامتی اینها باب من الخير است؛ راجع به انقلاب من دوست دارم نکته ای را بیان کرده باشم. مثل بنده سال 41 که آغاز این جریان بود و 42 یک ساله و دو ساله بودم ولی به عنوان کسی که در موج دوم انقلاب بوده یعنی اگر 19 دی 1356 را شما خیزش دوم و اصلی انقلاب به حساب آورید، کسی برای شما گزارش می کند که خودش بوده است؛ من در راهپیمایی 19 دی بودم و جلو هم بودم و ریز قضایا را هم با چشم دیدم که الآن مجال بیان نیست. و بعد هم چون ما در قم بودیم و قم هم مرکز بود و حتی در خود قم هم خیابان چهارمردان مرکزیت داشت و ما هم سکونتیمان در آن جا بود می دیدم؛ واقعا عجیب بود، برنامه ای از پیش طراحی شده نبود، اگر کسی هم بگوید رهبران انقلاب برنامه داشته اند حرف نادرستی زده است ولی به هر حال انقلاب واقع شده و در آن زمان به عنوان یک راه سوم در دنیا مطرح شد، یعنی طوری بود که دنیا دوقطبی شده بود یا سرمایه داری و کاپیتالیسم غرب و یا سوسیالیسم شرق، لذا حرکتی هم که گاه می شد حرکتی بود که وابسته به سوسیالیسم شرق بود البته یک چیزی هم مثل مائوئیسم چین بود که آن هم به نوعی تفکرات سوسیالیستی داشت اما جریان انقلاب به عنوان یک راه سوم آمد و مطرح کرد قضیه را و واقعا هم ریشه ی مذهبی داشت یعنی اگر کسی بگوید مردم را شعارهای ملی گرایانه یا چپ گرایانه به خیابان ها کشید بی انصافی کرده است، از حوزه پایگاه روحانیت، مرجعیت، همراهی علما این جریان شروع شد. الآن ما 42 سال از 57 که سال پیروزی انقلاب است پشت سر گذاشته ایم و وارد چهل و سومین سالگرد انقلاب می شویم. یک ظرفیت هایی ایجاد شده است، وجود دارد و یک آسیب هایی. جالب است که برخی به ظرفیت ها تکیه می کنند، گاهی مسئولانی طوری صحبت می کنند که گویا ما مشکل چندانی نداریم و هر چه هست ظرفیت و صعود است و البته کم هم نیستند کسانی که فقط کمبودها و آسیب ها را می بینند و سیاه نمایی می کنند ولی به نظرم آن چه که مناسب است صحبت کنیم برخی کارها است که باید بشود و اگر غفلت بشود طبق این مقدمه کار تمام است.

مقدمه

مقدمه سنت الهی است. خدای متعال یک سنت دارد بدون استثنا ان الله لا یغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بانفسهم با هیچ جمعیتی هم خدای متعال نه عهد بر دشمنی بسته است و نه پیمان اخوت و ویژه، می فرماید ولو انهم آمنوا و اتقوا لفتحنا علیهم برکات من السماء و الارض و اگر ستم کنند فاهلکناهم بذنوبهم و انشأنا من بعدهم قرناً آخرین این که جمعیتی فکر کند در حاشیه ی امن الهی است خیلی اشتباه می کند. می گوید ما که مورد عنایت هستیم، امدادهای الهی مرتب به ما می رسد این اولین گام لغزش است؛ الم یروا کم اهلکنا من قبلهم من قرن مکناهم فی الارض تا بعد می فرماید هلاکشان کردیم بذنوبهم به خاطر گناهانشان،

خطاهایشان بنابراین هیچ جمعیتی مورد بغض الهی نیست و هیچ جمعیتی مورد عنایت ویژه به این معنا که برود در حاشیه ی امن وجود ندارد پس ما هم باید امیدوار باشیم و هم بترسیم.

اما چند نکته ای که باید عرض کنم

1- بداخلاقی آثار خودش را دارد. یعنی اگر یک جامعه ای غیبت، تهمت، دروغ، حریم شکنی رائج بشود نباید امیدی به فلاح این جامعه داشت، به صلاح این جامعه داشت. فرقی هم نمی کند که بداخلاقی افراد نسبت به افراد، افراد نسبت به کارگزاران، کارگزاران نسبت به افراد. دوست ندارم خیلی خاطر شما را مکدر کنم اما باید گفت سوگمندان، سوگمندان امروز اخلاق در جامعه ی ما نمره ی خوبی نمی آورد نه این که نمره ی خوبی نمی آورد بلکه نمره ی بدی می آورد. این چه رویه ای است در روزنامه های ما، در خیابان ما، در جلسات حتی مذهبی ما، این حرکات را دین اسلام توجیه نمی کند. این که اینطور مسئولان، داخل یک نظام و مجموعه در مقابل هم موضع داشته باشند نه صلاح نظام است، نه صلاح کشور است، نه صلاح انقلاب است، نه صلاح مردم است ما امروز به هیچ بیگانه ای برای تضعیف خودمان نیاز نداریم، اسمش هم هرچه می خواهد باشد (دفاع از چی، دفاع از چی ... ممکن است برای ناصحیح ترین کار زیباترین کار را انتخاب کنند). به جرأت عرض می کنم فکر نمی کنم هیچ زمانی در هیچ کشوری مسئولان درون نظام اینقدر همدیگر را هتک حریم کنند، بحث شرعی آن بماند، بحث صلاح کشور است و هیچ کس هم بدون تعارف از هیچ کس شنوایی ندارد و متابعت نمی کند. از خود درون حوزه اگر شروع کنیم، کدام نظام و مجتمعی است که اینقدر افرادی به خودشان اجازه دهند به پیشکسوتان آن نظام هر چه می خواهند بگویند در حاشیه ی امن که هیچ در متن امن باشند! این مطلب در دانشگاه، سپاه و ... نیست اما در حوزه هست. این ها لطمه می زند. به عنوان یک طلبه ای که به هیچ جریان و کسی نمی خواهد نگاه غیر منصفانه داشته باشد عرض می کنم این ها لطمه می زند، ظلم است. دوم: هر حرکتی که مردم را پشیمان کند، ناامید کند، شعارهای توخالی، سیاست های غلط، تبلیغات انتخاباتی، گاهی هم الان پشت این گفتمان ها این است که ما نیاز به حضور مردم نداریم، این حرکات لطمه می زند از هر کسی که باشد. مگر در طول این 42 سال کم کار شد که به نفع بیگانگان بود اما با شعارهای تند و انقلابی. اگر حرکتی که مردم را پشیمان و ناامید کند انجام شود در راستای اهداف دشمن است.

و بالاخره شما با فضای مجازی بهتر از من آشنا هستید و دشمن هم خوب فهمیده است؛ اگر دشمن حوزه را بزند، فقاقت را بزند، مرجعیت را بزند همه چیز بر روی زمین می ریزد. دشمن فهمیده است که اگر حوزه از انقلاب، از نظام از کشور گرفته بشود حتی از مردم دیگر هر کاری بخواهد انجام دهد می تواند انجام دهد. حداقل در چهارصد پانصد سال اخیر مذهب تشیع رمز اتصال و وحدت ما بوده است حتی وقتی حکومت ها طاغوت بوده؛ مذهب جمع می کرده مذهب مردم را متحد می کرده وقتی کشور ملوک الطوائفی بوده، هر کسی راه خودش را می رفته، مذهبی حاکم نبوده کشور صد دستگاه بوده اما مذهب توانست مردم ایران را یکپارچه کند. چقدر غیر منصفانه برخی قضاوت می کنند در مورد حکومت هایی که توانست با مذهب مردم را متحد کند. اگر این ها را بگیرد برایش کاری ندارد که خدایی نکرده ایران را تکه پاره کند و این خواست آن هاست. امیدواریم کشور به جایی برسد که هر حلقومی که از آن تهمت و فحاشی و هتاکی بلند شود آنقدر پلشت تلقی شود که افراد نتوانند به سراغش بروند. اگر گناهی زشتی خودش را از دست بدهد راحت انجام می شود و الان تا حدی این قضیه رخ داده است. امیدواریم از این باب من الخیری که باز شد، غنیمت بشماریم که خدایی نکرده مبتلا به برخی از سنت ها نشویم.

بسم الله الرحمن الرحيم

سؤال: اگر کسی حجیت ظن در موضوعات را بپذیرد آیا در باب تجسس می تواند به گمان اکتفا کند و بر اساس گمان تجسس کند یا مثلا اطمینان و یقین می خواهد؟

پاسخ: این بستگی دارد به این که ما از ادله ی حجیت ظن در موضوعات تا چه پایه استفاده کنیم. بنده خودم اصل حجیت ظن در موضوعات را نتوانستم بپذیرم علی رغم این که برخی از دوستان ما نظرشان حجیت ظن در موضوعات است ولی بنده نرسیدم نهایتاً از باب خیر الطرق المیسره پذیرفتیم، حال اگر کسی برسد به حجیت ظن در موضوعات حتی جایی که پای دیگران در کار است، بله می تواند ولی اگر نرسد به حجیت ظن در موضوعات مطلقاً یا در مورد حق الناس نرسد قهراً خیر، نمی تواند تجسس کند و خیلی سخت است. اصل رسیدن به حجیت ظن در موضوعات حتی در جایی که طرق دیگری وجود دارد بر فرض هم که برسد در حق الناس نمی رسد. لذا پاسخ منفی است.

سؤال: مثلاً یک گزارشی رسیده است، ما نمی دانیم درست است یا نه؟ اگر گزارش قطعی باشد بله ولی اگر موضوع مظنون است بعد بگوییم مصلحت کشور اقتضا می کند که جستجو کنیم، اهم و مهم جاری است در زمانی که موضوع محرز است نه موضوع مظنون است در حالی که شما گفتید برخی اوقات با جستجو می رسند به این که این خانه خانه ی تیمی است یا نه؟ پاسخ: این که اهم و مهم متوقف بر این باشد که موضوع محرز شده باشد قطعاً ما قبول نداریم. فرض کنید کشور ناامن است، البته گزارش هم نه گزارش ضعیف، یک رفت و آمدهای مشکوک جدا هم وجود دارد، رفت و آمد غیر طبیعی می شود، این ها را انسان می بیند و می فهمد در این جا نمی شود گفت باید خانه ی تیمی بودن معلوم شود تا بعد تجسس بشود، این که دیگر تجسس نمی خواهد، تجسس برای مرحله ی کشف موضوع است، اگر موضوع مهم باشد، محتمل مهم باشد، در این جا فضا برای تحقیق و فحص وجود دارد. همین که محتمل قوی است و احتمال هم نیش قوی نیست کافی است و قانون اهم و مهم جاری می شود. قانون اهم و مهم خودش مرز نمی شناسد، خودش برای خودش جا باز می کند به این معنا که موارد مختلف است، موارد را باید دید محتمل را باید دید تا آخر قضیه.

تفتیش و اقسامش باید اگر شرع را نگاه می کنیم فائل بشویم که برای ضرورت است و الا اصل بر عدم تفتیش است و حکومت هم همین است. این که حکومت جامعه را امنیتی کند و در هر کوی و برزن مفتش گذاشتن نشانه ی بی کفایتی حکومت است. حکومت باید بتواند پرهیز کند از تشدید بسته بودن جامعه (امنیتی کردن جامعه) و خشم و کینه ها را رائج کند. بحث این است که وقتی ما در مباحث فقهی بحث حقوقی می کنیم باید سائر معارف دین را هم توجه داشته باشیم. یعنی در حکومت اسلامی قضا در جای خود، تفتیش در جای خود، اما این که ليقوم الناس بالقسط بشود نه ليقوم الناس بالقسط. خیلی از فقه اسلام را اگر با نگاه ليقوم الناس بالقسط نگاه کنیم جواب می دهد و الا یک تکه از اسلام را می گیریم و یک تکه را رها می کنیم و رخ می دهد آن چه که برخی رخ داده است.

تفتیش، فحص تعریف شرعی ندارد، تعریف فقهی ندارد. این هم مثل سائر پدیده ها یک مصداق روشن دارد مثل این که کسی در داخل منزلش دوربینی بگذارد و داخل خانه ی همسایه را تفتیش کند یا ماشین دیگران را بازرسی کند و بگوید صندوق عقب را بالا بزن و ... و برخی از مصداق هم هست که نمی شود گفت تفتیش مثلاً درب خانه ای باز بود و انسان عبور می کرد و نگاهش افتاد و ممکن است سریع هم نگاهش را برنگرداند ولی اینطور نبوده که عالمانه، عامدانه خواسته باشد از درون خانه ی کسی باخبر شود؛ داخل ماشین می رود از کنار ماشینی دیگر رد می شود نگاهش به ماشین دیگری می افتد ممکن است سریع هم نگاهش را برنگرداند ولی به هر حال نمی شود گفت این ها تفتیش است و یک مواردی هم هست که مشکوک است، مثلاً امروز یک آقایی سؤال می پرسید که آیا کنجکاوی تفتیش است؟ انسان می تواند به داخل ماشین دیگری نگاه کند؟ نگاه کند ببیند دختر و پسری که کنار پارک نشسته اند چه می گویند و ...؟ به هر صورت احتیاط کنیم. ما راجع به قانون، در قانون یک اصطلاح داریم به نام تشکیل پرونده ی شخصیت. من دوست دارم فردا راجع به این موضوع صحبت کنیم.

الحمد لله رب العالمين